



Golestan University

Social Issues in Persian Literature

Volume 2(4), Autumn 2024



Manifestations of Gothic Literature in Forugh Farrokhzad's *Let Us Believe in the Dawn of the Cold Season*

Fatemeh Ranjbar^{1*}

PhD in Persian Language and Literature, Semnan University, Iran, Email: fatemeranjbar@semnan.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:
Received: 2024-4-14
Accepted: 2024-7-10

Keywords:
Gothic Literature
Free Verse
Let Us Believe in the Dawn
of the Cold Season
Forugh Farrokhzad

ABSTRACT

Gothicism was one of the popular literary schools in the 18th and 19th centuries having a considerable impact on world literature. In Iran, some poets and writers have created works under the influence of Western literature written during Iran's dark social history; one can include them in gothic literature. In Persian literature, Forugh Farrokhzad's *Let Us Believe in the Dawn of the Cold Season* exemplifies gothic poetry. The poem is not just one of the most terrifying gothic poems in the Persian language but the saddest given its heartrending themes. One of its most significant features is its employing themes that demonstrate the frightening edge of existence and its resultant mental problems. Drawing on a descriptive-analytic approach and benefitting from library resources, the current study examines the gothic manifestations in Forugh Farrokhzad's *Let Us Believe in the Dawn of the Cold Season*. According to the study's results, the poem is dark, scary, and eerie in terms of its atmosphere; its emotional disorientation, supernatural components, prophecies, mental conflicts between the internal and external world, and wicked characters' descriptions are compatible with the gothic genre. By creating an environment appropriate for gothic features, the poet has created a textual creation that depicts surreal elements and can be classified in gothic literature. Hence, the poem's contents blend dream and reality in an atmosphere of melancholy and distress. The poet begins her poem with loneliness, darkness, lamentation, and ghosts keeping her audience in a painful mood until the poem's end.

Cite this article Ranjbar, F. (2024). Manifestations of Gothic Literature in Forugh Farrokhzad's *Let Us Believe in the Dawn of the Cold Season*. *Social Issues in Persian Literature*, 2 (4), 1-8.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/SIPL.2024.452412.1055



جلوه‌های ادبیات گوتیک در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» از فروغ فرخزاد

فاطمه رنجبر^{۱*}

^۱ دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، ایران، رایانامه: fatemeranjbar@semnan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله کامل علمی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۰</p> <p>واژه‌های کلیدی: ادبیات گوتیک شعر نو ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد فروغ فرخزاد</p>	<p>مکتب «گوتیک» یکی از مکاتب محبوب هنری در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی است که تأثیر قابل توجهی بر ادبیات جهان داشته است. در ایران نیز برخی از شاعران و نویسندگان با تأثیر از داستان‌های وحشت غربی و برگرفته از برهه‌های تاریک تاریخ و اجتماع ایرانی، آثاری را به وجود آورده‌اند که می‌توان آن‌ها را در رده «گوتیک» طبقه‌بندی کرد. در این میان شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» از فروغ فرخزاد یکی از نمونه‌های شعر گوتیک در ادبیات فارسی است. این شعر علاوه باینکه یکی از هراس‌انگیزترین اشعار گوتیک در زبان فارسی به شمار می‌رود در سایه مضامین سوزناکش، از حزن‌انگیزترین‌ها نیز هست. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این شعر به خدمت گرفتن مضامینی است که لبهٔ مخوف و ترسناک زندگی و جهان زیستی و ناراحتی‌های روانی حاصل از آن را نشان می‌دهد. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی جلوه‌های گوتیک در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» پرداخته شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» از نظر فضا سازی‌های و هم‌انگیز، تاریک و مخوف، پریشانی عاطفی، عناصر ماوراءالطبیعه، پیشگویی و سخن گفتن از آینده، درگیری‌های ذهنی بین دنیای درون و بیرون و توصیف شخصیت‌های شرور و... با ژانر گوتیک همخوانی دارد. شاعر با خلق محیط و فضایی متناسب با ویژگی‌های گوتیک زمینه آفرینش متنی را به وجود آورده است که هم در ژانر گوتیک طبقه‌بندی می‌شود و هم ویژگی‌ها و عناصر سورئالیستی را به تصویر می‌کشد، بر همین اساس محتوای شعر آمیزه‌ای است از رؤیا و واقعیت در فضایی پرتلهاب و مالیخولیایی. شاعر شعر را با حس تنهایی، تاریکی، عزاء ارواح و... آغاز می‌کند و تا انتها مخاطب را به فضایی غم‌آلود و ترسناک می‌کشاند.</p>

استناد: رنجبر، فاطمه. (۱۴۰۳). کبوتر جلوه‌های ادبیات گوتیک در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» از فروغ فرخزاد.

نشریه: اجتماعیات در ادب فارسی، ۲ (۴)، ۸-۱.



مقدمه

ادبیات «گوتیک» را باید شاخه‌ای از مکتب رمانتیسم، یا پیش رمانتیسم دانست. این مکتب، پیش‌زمینه‌ای برای آغاز مکتب رمانتیسم محسوب می‌شود و ادبیات رمانتیک در قرن هجدهم، در واقع برگرفته از همین مکتب گوتیک است. ادبیات معاصر گوتیک طیف گسترده‌ای از داستان‌ها و شعرها را شامل می‌شود، از مضامین مرتبط با اشباح و وحشت گرفته تا موضوعات هیجان‌آور که بسیاری از آن‌ها اقتباسی از داستان‌ها و متن‌های گوتیک قرن نوزدهم هستند. از آنجاکه اعتقاد بر این است که ادبیات گوتیک برگرفته از ادبیات رمانتیک است، این دو ژانر دارای ویژگی‌های مشترکی نیز هستند. یکی از مؤلفه‌های مهم یک متن گوتیک جذاب این است که احساس تعلیق و ترس را در خواننده برانگیزد. مکتب گوتیک همانند دیگر مکتب‌ها، با گذر زمان دچار تغییرات زیادی شده است و طبق گفته‌های میر صادقی، امروزه اصطلاح متن ادبی گوتیک برای آثاری به کار برده می‌شود که فاقد «صحنه» قرون وسطایی است اما همان فضا و رنگ وهم‌آلود و وحشت‌انگیز را دارد. (میر صادقی، ۱۳۶۶: ۴۱۵) بسیاری از آثار گوتیک شامل فضاسازی‌ها، صحنه‌ها، حوادث و اشیایی مانند مراسم تدفین، سوسوزدن شمع‌ها، معجون‌های شیطانی، مرگ، دریده شدن، بلعیده شدن، تاریکی و سایر مفاهیم رعب‌آور است. در ایران نیز برخی از شاعران و نویسندگان با تأثیر از داستان‌های وحشت‌گرایی و برگرفته از برهه‌های تاریک تاریخ اجتماعی ایران، آثاری را به وجود آورده‌اند که می‌توان آن‌ها در رده گوتیک طبقه‌بندی کرد، در این میان شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» از فروغ فرخزاد یکی از بهترین نمونه‌های اشعار گوتیک در ادبیات فارسی است. ایجاد فضاسازی‌های ترسناک و اوج‌گیرنده که شاعر از طریق جزئی‌نگری در توصیفات برای ما به نمایش می‌گذارد از خصوصیات ویژه این شعر است که آن را در حوزه گوتیک قرار می‌دهد. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی جلوه‌های گوتیک در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» پرداخته شود. در این راستا سؤال اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین جلوه‌های ادبیات گوتیک در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» اثر فروغ فرخزاد، کدامند؟

پیشینه پژوهش

درباره اشعار فروغ فرخزاد پژوهش‌ها، مقالات و کتب بسیاری نوشته شده است اما تاکنون پژوهشی مستقل در خصوص جلوه‌های گوتیک در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» انجام نشده است.

مبانی نظری پژوهش

مکتب گوتیک: واژه «گوتیک» صفتی است که به شکل ضمنی به تعلق چیزی به قوم «گوت»، اشاره دارد. «قوم گوت» یا آن‌گونه که مصطلح است «گوت» ها، قومی ژرمنی بودند که به تدریج از شمال اروپا به سمت شرق و جنوب مهاجرت کردند و در نخستین سال‌های میلادی در ساحل جنوبی دریای بالتیک در شرق رود «ویستول» سکونت کردند. (مارگو، ۱۳۸۴: ۸) گوتیک نام ژانری هنری است که در سال‌های ۱۷۶۰ تا ۱۸۲۰ به وجود آمد و هنوز هم به اشکال گوناگون دیده می‌شود. اصطلاح گوتیک در اصل مربوط به معماری است و بر نوعی ساختمان‌سازی اروپایی دلالت می‌کند. «در دنیای ادبیات، گوتیک گونه‌ای از متن ادبی است که مرزهای میان واقعیت، توهم و جنون را مطرح می‌کند. بازی واقعیت و توهم با بهره‌گیری از مفاهیم مرموز، خواننده را دچار هراس و دلهره‌های درک‌ناپذیر می‌کند و در این راستا بیش از همه، از دلهره‌های کلی درباره مرگ و زوال بهره می‌برد» (برام، ۱۳۵: ۱۳۸۴) در همین زمینه باتینگ^۱ معتقد است: نوسان میان وحشت و هراس بخشی از پویایی‌ای است که کرانه‌هایش گسترده و سویه‌های متفاوت برنامه‌های گوتیک را در پی می‌گیرد. (باتینگ، ۲۲: ۱۳۸۹) واقع مکتب گوتیک در دوره‌ای به وجود آمد که نویسندگان از عقل‌گرایی کلاسیک‌ها به ستوه آمده بودند و به دنبال راهی برای فرار از مرزبندی آن‌ها بودند و در عین حال تحولات

¹ Fred Botting

اجتماعی و فرهنگی نیازمند بستری بود تا زندگی دگرگون‌شده انسان را در عبور از زندگی روستایی به زندگی شهرنشینی و ترس‌ها و دلهره‌های ناشی از آن را به تصویر بکشد.

ژانر گوتیک و ادبیات

سبک ادبی گوتیک، به سبک داستان‌نویسی اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم گفته می‌شود که ویژگی‌های آن بهره‌گیری از صحنه‌های قرون‌وسطایی، فضای تیره و وحشتناک، رخدادهای موحش، مرموز و خشونت‌بار است. دهه ۱۷۹۰ را می‌توان دهه داستان گوتیک نامید. دوره‌ای که بیشترین شمار آثار گوتیک پدید آمد و خواننده شد. هاگل در مورد مضمون آثار گوتیک می‌گوید: «آثار گوتیک اضطراب‌های درونی را نشان می‌دهند، این اضطراب‌های مبتذل و پیش‌پافتاده، ناشی از موجودات شیطانی، دیو و غول نیستند، بلکه اضطراب‌های تکان‌دهنده متأثر از تصور صحنه‌های آشفته و هیجان‌انگیز هستند.» (هاگل، ۱۳۸۴: ۱۴۳) به‌زعم باتینگ در فرآوری‌های گوتیک، خیال‌پردازی و جلوه‌های هیجانی از خود فراتر می‌روند. عشق، هیجان و احساسات از اولویت‌های اجتماعی و قانون‌های اخلاقی سرپیچی می‌کنند و ناهم‌سازی و بی‌اطمینانی بر هر معنایی پرده ابهام می‌کشد. (باتینگ، ۱۳۸۹: ۱۴) هوراس والپول در سال ۱۷۶۴ میلادی یکی از معروف‌ترین و متقدم‌ترین آثار ادبیات گوتیک یعنی *قصر اوترانتو* را به چاپ رساند. ماجرای این رمان پررمزوراز، در قرون‌وسطی رخ می‌دهد و به شبح، قتل و جنایت پرداخته می‌شود. جالب است که در چاپ دوم این کتاب عنوان فرعی «یک رمان گوتیک» به آن اضافه شد. از آن پس بود که اصطلاح *رمان گوتیک* رایج شد. مؤلفه‌های اصلی متن ادبی گوتیک عبارت‌اند از توصیف سردابه‌های زیرزمینی تاریک، صومعه‌های رو به ویرانی، جنگل‌های تاریک، کوهستان‌های ناهموار، گورستان‌ها، دخمه‌های تاریک و نمناک پر از رتیل و سوسک و مار و... به طوری که در زمانه ما می‌توان گوتیک را وحشت، سیاهی، سرسام و خشم نام نهاد. از مهم‌ترین شاخصه‌های مکتب گوتیک، مرگ است که بر همه اجزای داستان سایه می‌افکند و معمولاً در همان جمله‌ها و صفحات نخستین، ذهن خواننده با واژه‌ها و فضایی آکنده از مرگ و نیستی روبرو می‌شود. نویسنده ژانر گوتیک با کاربرد کلمات خاص و سلسله‌ای از واژه‌های مکمل و ترکیبات، عالم عین و ذهن و محسوس و نامحسوس را یکی می‌کند. متن گوتیک لبریز از کلمات تصویری، طرح‌های مختصر و بازتاب‌هایی است که دلهره و تشویش بشر را به روشی مستقیم آشکار می‌سازد.

فروغ فرخزاد

فروغ فرخزاد شاعر، فیلم‌نامه‌نویس، نقاش و فیلم‌ساز ایرانی (۱۳۱۳-۱۳۳۴) بود. از او شش دفتر شعر با عناوین: *اسیر*، *دیوار*، *عصیان*، *تولد دیگر* و *ایمان بیاوریم* به آغاز فصل سرد، منتشر کرده است. او در این اشعار، هنجارها و انتظارات سنتی شعر و جامعه فارسی را به چالش کشید و صدا و احساسات اصیل جنسیت زن را با لطافت تمام فریاد زد. او با استفاده از زبان روز و بیانی ساده، روان و محاوره‌ای و نیز شکستن قوانین وزن و قافیه، شعر را از محدودیت‌های کلاسیک خارج کرد و به آن رنگ و بوی زندگی معاصر بخشید و به سمت نوگرایی و مدرنیسم برد. فروغ فرخزاد از زبانی شفاف و شجاعانه برای به تصویر کشیدن مسائل اجتماعی، عاطفی، سیاسی و فرهنگی زمان خود استفاده کرده و جامعه خود را نقد می‌کند. او همچنین به موضوعاتی مانند عشق، آزادی و عصیان پرداخته که اغلب در جامعه آن روز، برای یک زن تابو یا بحث‌برانگیز تلقی می‌شد. او موضوعات مختلفی را در شعرهایش مطرح کرد، از جمله عشق، زندگی، مرگ، طبیعت، خدا، انسان، زن، مرد، جنسیت، خانواده، جنگ، جهانی‌شدن، تعهد اجتماعی، تنهایی، نقد اجتماعی و غیره. فروغ فرخزاد با ایجاد نوآوری ادبی و مضمونی در شعر فارسی، جنبش و انقلابی در این عرصه ایجاد کرد به‌ویژه با بیان مسائل زنانه و انتقاد از تبعیض‌های جنسیتی، صدای زنان ایرانی را در عرصه شعر بلند کرد و الهام‌بخش آن‌ها شد و با سخت‌کوشی خود شعر نیمایی را یک مرحله دیگر پیش برد و چشم‌انداز شعر فارسی را تغییر داد. مختصری درباره شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»

ضیاء‌الدین ترابی شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» را یکی از بهترین شعرهای فروغ فرخزاد و یکی از مانا‌ترین نمونه‌های شعر فارسی قلمداد کرده است. به نظر ترابی، این شعر در عین سادگی و روانی، از ساحتی استوار و منطقی برخوردار است. به نظر وی لحن روایی آن از شعر بودن نکاسته است. (ترابی، ۱۳۷۵: ۲۷) سیروس شمیسا این شعر را از بعضی جهات بهترین، مؤثرترین و مهم‌ترین شعر فروغ می‌داند؛ شعری بسیار صمیمانه، تأثیرگذار و مسئله‌دار؛ به عقیده وی، فروغ در این شعر حرف‌ها و دیدگاه‌هایش را نسبت به زندگی و به‌طور خاص، زندگی خودش بیان کرده است و سروده‌های دیگر او نیز به‌نوعی از همین عواطف و مفاهیم سرچشمه گرفته است؛ بنابراین رد پای مفاهیم این شعر را می‌توان در بقیه شعرهای فروغ پیدا کرد. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۴۷) به نظر شمیسا این شعر سه بخش دارد: بخش اول از آغاز تا مصراع «نه‌مانده‌های روز رفته را به درون می‌کشد» که مفصل‌ترین قسمت شعر است و یک بعد از ظهر برفی را از ساعت ۴ تا آغاز شب به تصویر می‌کشد و خاطرات گذشته را مرور می‌کند. بخش دوم از «من از کجا می‌آیم؟/ که این چنین به بوی شب آغشته‌ام» شروع می‌شود و تا «به مادرم گفتم دیگر تمام شد» ادامه دارد. این بخش نیز مروری کوتاه بر گذشته است، اما در زمانی که ماجرا تمام‌شده و شاعر بعد از گذار از آن سال‌ها، آرامش یافته است. بخش سوم از «سلام ای غرابت تنهایی» تا انتها، خطاب شاعر به خود و دنیای تازه‌اش است که در سرما فرورفته است و شاعر دیگر بدان امیدی ندارد (همان: ۲۹) شعر با ناامیدی یک زن شروع می‌شود که در آستانه فصلی سرد ایستاده است؛ درحالی‌که دست‌های سیمانی‌اش ناتوانی او را بیان می‌کنند و نجات‌دهنده‌اش در گور خفته است. او به فصل بهار و جفت‌گیری گل‌ها می‌اندیشد اما به تعبیر شمیسا، این بهار، نه در آینده؛ بلکه در گذشته اوست. شاعر خود را سرزنش می‌کند که «چرا نگاه نکردم؟» یا دوراندیشی نکردم. شاعر خودش را در خاطراتش به صورت زنی به یاد می‌آورد که چشم‌هایش مانند لانه‌های خالی سیمرغان است؛ یعنی گودرفته است و پرنده سعادت از آن کوچیده است. (همان: ۲۸).

بحث و بررسی

فضاسازی: راز آلودگی و ترس

متون ادبی گوتیک، ملزم به رعایت پاره‌ای از عناصر و مؤلفه‌هایی هستند که آن‌ها را از سایر انواع داستان متمایز می‌کند. مؤلفه‌هایی که بدون حضور آن‌ها، نمی‌توان یک متن را گوتیک نامید. جو و فضاسازی یک متن گوتیک مستقیماً در به وجود آوردن احساس ترس و اضطراب نقش دارد. بر این اساس آفرینش گران متن ادبی که در ژانر گوتیک قلم می‌زنند غالباً از فضاسازی‌های رعب‌آور، تنهایی، تاریکی، شرایط آب و هوایی منحوس و طوفان‌های تهدیدآمیز و... استفاده می‌کنند. در شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، شاعر با توصیف شب و تاریکی و سرما، فضایی ترسناک و ناامیدکننده ترسیم می‌کند، شاعر شعر را با حس تنهایی، تاریکی، عزاء ارواح و... آغاز می‌کند و تا انتها مخاطب را به فضایی غم‌آلود و ترسناک مانند خورده شدن گوشت شخص توسط ماهی‌ها و جهانی که مانند لانه ماران است و چشمانی که شبیه حفره‌های استخوانی‌اند و مردمانی که در فکر کشتن یکدیگرند، می‌کشانند. شاعر برای نشان دادن ترس و اضطراب حاکم بر فضای شعر دست به ساخت تصاویر و مضامین نمادین می‌زند، ترس‌هایی که با دیسیسه‌چینی انسان‌ها علیه یکدیگر رابطه مستقیم دارد.

- «سلام ای غرابت تنهایی/ اتاق را به تو تسلیم می‌کنم» (فرخزاد، ۱۳۸۵: ۳۲۱)

- «سلام ای شب معصوم/ سلام ای شبی که چشم‌های گرگ‌های بیابان را/ به حفره‌های استخوانی ایمان و

اعتماد بدل می‌کنی/ و در کنار جویبارهای تو، ارواح بیدها/ ارواح مهربان تبرها را می‌بویند...» (همان: ۳۱۴)

- «و این جهان به لانه ماران مانند است/ و این جهان پر از صدای حرکت پاهای مردمی است/ که همچنان که ترا می‌بوسند/ در ذهن خود طناب دار ترا می‌یافتند...» (همان)

- نگاه کن که در اینجا / زمان چه وزنی دارد / و ماهیان چگونه گوشت‌های مرا می‌جویند» (همان: ۳۱۳)

- «در محفل عزای آینه‌ها/ و اجتماع سوگوار تجربه‌های پریده‌رنگ...» (همان: ۳۱۰)

در فضا سازی این شعر از ابتدا تا انتها مفاهیمی چون زنی تنها، فصلی سرد، هستی آلوده، یأس غمناک، خاک پذیرنده، زمان خسته و مسلول، مارهای مرده، لانه ماران، طناب دار، شقیقه‌های منقلب، هجای خونین، محفل عزاء، اجتماع سوگوار، کلاغ‌های منفرد، باغ‌های پیر، ابرهای سیاهی، مرده‌های هزاران هزارساله، جزیره سرگردان، دریچه مسدود، قناری غمگین، لانه‌های خالی، میوه‌های فاسد، ابرهای تیره، داس‌های واژگون، بارش یکریز برف، مدفون شدن دست‌های جوان تازه مرده، خاک تازه گور، حفره‌های استخوانی چشم، گرگ‌های بیابانی و... برجسته است و مفهوم ترس، ویرانی، نابودی و ناامیدی را به ذهن متبادر می‌کند. به همین شکل فضای راز و وحشت به صورت پیرنگی تودرتو و مبهم آشکار می‌شود. فضای های توصیف‌شده در این قطعات، پیرو سبک گوتیک، فضاهایی تخیلی، تب آلود و مالیخولیایی هستند. در این فضا سازی وهم و واقعیت ترکیب شده است و اغلب با رازهایی آمیخته است که در آن‌ها ابهام وجود دارد و مخاطب از درک و دریافت دقیق و مستقیم آن‌ها تا حدودی به دور است. این نوع توصیفات فضایی دلهره‌آور را برای خواننده به وجود می‌آورد، در فضا سازی ترس صحنه‌هایی نیز هست که به‌رغم غایب بودن عامل وحشت، اضطراب درونی بر خواننده حاکم می‌شود.

زن ناتوان

در متن‌های گوتیک اغلب زنی دیده می‌شود که توسط شخصیت شرور داستان مورد ستم قرار می‌گیرد. چنین شخصیتی دچار احساس غم و اندوه، محدودیت و تنهایی است و در بسیاری از نمونه‌های اولیه ژانر گوتیک به باکرگی آن‌ها نیز اشاره می‌شود. این زن افسرده حس ترحم را در خواننده به وجود می‌آورد، در شعر فروغ فرخزاد این مسئله بیانگر تجربه شخصی خود شاعر است و خود در فضای شعرش به‌عنوان تنها صدای حاضر حضور دارد؛ زنی که به بوی شب، ناامیدی و تنهایی آلوده است، در این شعر تصاویر سرما و غمناکی و دست‌های سیمانی، عروسی که در میان جامه های عروسی پوسیده است؛ و هر کدام از این مفاهیم جایگزین تصاویر یاس، ناامیدی، ترس، مرگ و غم‌زدگی است.

- «و این منم/ زنی تنها/ در آستانه فصلی سرد/ در ابتدای درک هستی آلوده زمین/ و یأس ساده و غمناک

آسمان و ناتوانی این دست‌های سیمانی...» (همان: ۳۰۹)

- «من از کجا می‌آیم؟! که این چنین به بوی شب آغشته‌ام؟» (همان: ۳۱۸)

- «این کیست؟ این کسی که تاج عشق به سر دارد/ و در میان جامه‌های عروسی پوسیده است...» (همان: ۳۲۰)

در متن‌های گوتیک، بسیار اتفاق می‌افتد که ظلمی در حق شخصیت‌های زن روا داشته می‌شود و آن‌ها قربانی نگرش اجتماع می‌شوند. در این متن شخصیت زن معصومیت غیرقابل وصفی دارد که توسط نیروهای قوی تر تهدید می‌شود. زنی فرورفته در خود که بار زندگی را بر دوش می‌کشد و زندگی برای وی گستره درد و رنج است و تنهایی و انزوا وی را به شخصیتی هراسان تبدیل کرده است.

مؤلفه‌های ماوراء الطبیعی

بخش اعظم جذابیت ادبیات گوتیک ناشی از رویدادهای ماوراء طبیعی یا غیرقابل توضیح است، مانند جان گرفتن اشیاء بی‌جان یا مرده‌هایی که راه می‌روند، غذا می‌خورند، حرف می‌زنند و یا دست به اعمال شرورانه می‌زنند. در این شعر فروغ به موازات این معانی و با استفاده از مفاهیم ماوراء الطبیعی، تصاویر متناقضی را برای بارگذاری مفهوم زندگی بدون معنا می‌سازد:

- «جنازه‌های خوشبخت / جنازه‌های ملول/ جنازه‌های ساکت متفکر/ جنازه‌های خوش‌برخورد، خوش‌پوش،

خوش‌خوراک/ در ایستگاه‌های وقت‌های معین/ و در زمینه مشکوک نورهای موقت/ و شهوت خرید میوه‌های

فاسد بیهودگی...» (همان: ۳۲۰ - ۳۲۱)

«ما مثل مرده‌های هزاران هزارساله به هم می‌رسیم و آنگاه/ خورشید بر تباهی اجساد ما قضاوت خواهد کرد.» (همان: ۳۱۳)

«و در کنار جویبارهای تو، ارواح بیدها/ ارواح مهربان تبراها را می‌بویند...» (همان: ۳۱۴)

در این قطعات شاعر از اسامی و ابزارهایی مانند «تبر، اجساد، ارواح، مرده‌های هزارساله، جنازه، میوه‌های فاسد...» نام‌برده که حس خشونت، وهم و ترس را نمایندگی می‌کنند و از طرفی با استفاده از رؤیایپردازی به توصیف مؤلفه‌های سورئالیستی‌ای می‌پردازد که واقعیت بیرونی ندارند و تنها جنبه وهم‌آلود آن‌ها و معانی استعاری‌شان مدنظر است.

ملودرام و احساسات افراطی

غالباً نویسندگان سبک گوتیک از ملودرام یا احساسات افراطی برای انتقال یک فکر یا ایده استفاده می‌کنند. در این راستا نویسنده یا شاعر با استفاده از اغراق، تناقض، تعارض، احساسات شدید و صحنه‌های شگفت‌انگیز موضوع ادبی مورد نظر خود را روایت می‌کند. این زبان اغراق‌آمیز و مضطرب به انتقال وحشت، ترس و افسردگی کمک می‌کند که نشان از ناامیدی و سیاهی است. مانند این قطعه از شعر فروغ که بیان می‌کند نجات‌دهنده در گور خفته است که نشانی از ناامیدی مطلق، درک حس مرگ، تباهی و ناتوانی است و یا در قطعه دیگر از «ویرانی تصور آبادانی» در ذهن انسان سخن می‌گوید و یا از مصلوب شدن کسی که ناجی انسانیت بود ابراز ناامیدی می‌کند.

«نجات‌دهنده در گور خفته است/ و خاک، خاک پذیرنده...» (همان: ۳۰۹-۳۱۰)

«ایمان بیاوریم به ویرانه‌های باغ‌های تخیل/ به داس‌های واژگون شده بیکار/ و دانه‌های زندانی...» (همان: ۳۲۲)

«نگاه کن که در اینجا/ چگونه جان آن کسی که با کلام سخن گفت/ و با نگاه نواخت/ و با نوازش از رمیدن آرامید/ به تیرهای توهم/ مصلوب گشته است...» (همان: ۳۱۹)

شخصیت شرور / ضدقهرمان

در متن‌های گوتیک، شخصیت‌های شرور به شکل شخصیت‌هایی مستبد مردانه، ظالم، ترسناک یا زنان جادوگر بدجنس که گاه دارای موقعیت‌های شغلی معتبری هستند به تصویر کشیده می‌شوند. در حقیقت نویسندگان متن‌های گوتیک باید تبحر خاصی در شخصیت‌پردازی داشته باشند، زیرا آن‌ها شخصیت‌هایی را می‌آفرینند که ظاهری غیرعادی دارند و نمی‌توان نمونه‌های عینی برای آن‌ها در دنیای واقعی پیدا کرد، مانند این توصیفات فروغ فرخزاد از مرد و یا به‌طور کلی انسان که لبریز از کلمات تصویری، طرح‌های مختصر و بازتاب‌هایی است که دلهره و تشویش را به روشی مستقیم منتقل می‌کند:

«مردی که رشته‌های آبی رگ‌هایش/ مانند مارهای مرده از دو سوی گلوگاهش/ بالا خزیده‌اند و در شقیقه‌های

منقلبش آن هجای خونین را / تکرار می‌کنند... چگونه می‌شود به مرد گفت که او زنده نیست/ او هیچ‌وقت

زنده نبوده است...» (همان: ۳۱۰)

«انسان پوک/ انسان پوک پر از اعتماد/ نگاه کن که دندان‌هایش/ چگونه وقت جویدن سرود می‌خوانند

و چشم‌هایش/ چگونه وقت خیره شدن می‌درند...» (همان: ۳۱۷)

پیشگویی

از پیش خبر دادن حوادث آینده^۲، یک ابزار ادبی است که از آن برای اشاره به رویدادهای پیش رو استفاده می‌شود که در قالب رویاها، پیشگویی‌ها، نفرین‌ها و یا جملاتی قاطع است که در متن گوتیک حضور دارد، به‌عنوان مثال، ممکن است یک

² Foreshadow

شیء از جایی بیفتد، چیزی بشکند و یا شبهی در تاریکی دیده شود و یا پیشگویی در خصوص مرگ کسی یا کسانی باش، به طوری که این موضوع بر همه اجزای متن سایه بیفکند. معمولاً در جای جای جمله‌ها و بندهای یک متن ادبی گوتیک خواننده با واژه‌ها و فضایی آکنده از مرگ، نیستی و بلایای طبیعی روبه‌رو می‌شود، مانند این قطعات از شعر «یمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» که شاعر مرگ و بلایای طبیعی، ظلم، ناامیدی و آینده تاریک را پیشگویی می‌کند:

- «چه ابرهای سیاهی در انتظار روز میهمانی خورشیدند...» (همان: ۳۱۲)

- «در کوچه باد می‌آید/ این ابتدای ویرانی است/ آن روز هم که دست‌های تو ویران شدند باد می‌آمد.» (همان: ۳۱۲)

- «به مادرم گفتم: «دیگر تمام شد»/ گفتم: «همیشه پیش از آنکه فکر کنی اتفاق می‌افتد/ باید برای روزنامه تسلیتی بفرستیم» (همان: ۳۲۱)

در این قطعات شاعر به پیروی از سبک گوتیک زمان وقوع حوادث بد در آینده را در دل تاریکی، سرما، بادهای ویرانگر و فضاهای وهم‌آلود قرار داده است تا حواس خواننده متوجه وجهه ترسناک رخدادها شود.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد شعر «یمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» از نظر فضا سازی و عناصر دیگر با ژانر گوتیک همخوانی دارد و در آن مواردی چون توصیف و فضا سازی‌های وهم‌انگیز، تاریک و مخوف، عناصر ماوراءالطبیعه، پیشگویی و سخن گفتن از آینده بد، درگیری‌های ذهنی بین دنیای درون و بیرون و توصیف شخصیت‌های شرور و... دیده می‌شود. این مضامین گاهی بدون توضیحات منطقی و عقلانی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و گویی هدف آن‌ها برهم زدن عادات ذهنی و جبرهای منطقی و عقلانی است. شاعر در این شعر توانسته است فضا سازی و عناصر گوتیکی را با پارهای عناصر سورئالیستی نیز درهم بیامیزد و ساختار شعر خود را طرح کند. شاعر با خلق محیط و فضایی متناسب با ویژگی‌های فکری ژانر گوتیک، زمینه آفرینش واقعیتی بیرون از واقعیت‌های موجود را فراهم کرده است. مضمون اصلی شعر بر مبنای کشمکش شخصیتی غمگین و افسرده با خود و عواطفش طرح شده است که در نهایت درمی‌یابد از تقدیر گریزی نیست. محتوای شعر آمیزه‌ای از رؤیا و واقعیت در فضایی پرتلهاب و مالیخولیایی است و در عین حال مرز این دو از هم کاملاً مشخص نیست؛ شاعر شعر را با حس تنهایی، تاریکی، عزا، ارواح و... آغاز می‌کند و تا انتها مخاطب را به فضایی غم‌آلود و ترسناک مانند خورده شدن گوشت شاعر توسط ماهی‌ها و جهانی که مانند لانه ماران است و چشمانی که شبیه حفره‌های استخوانی‌اند و مردمانی که در فکر کشتن یکدیگرند، می‌کشاند.

منابع

- باتینگ، فرد (۱۳۸۹). گوتیک، تهران، انتشارات افراز
- برام، استیون (۱۳۸۴). «گوتیک معاصر: چرا به آن احتیاج داریم؟» ترجمه میثاقی، پوپه، شماره ۵۷، صص ۱۲۷-۱۴۲.
- ترابی، ضیاءالدین (۱۳۷۵). فروغی دیگر؛ نگاهی تازه به شعرهای فروغ فرخزاد، تهران، نشر دنیای نو.
- حسن زاده میرعلی، عبدالله (۱۳۹۳) مشخصه‌های ادبیات گوتیک در در ملکوت بهرام صادقی، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، شماره ۳، صص ۲۱-۳۴.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). نگاهی به فروغ فرخزاد. تهران، انتشارات مروارید.
- فرخزاد، فروغ (۱۳۸۵). مجموعه شعر، تهران، انتشارات نگاه.
- مارگو، آیلین (۱۳۸۴). در قلمرو وحشت، ترجمه پریسا رضایی، تهران، انتشارات ققنوس
- میر صادقی، جمال، (۱۳۶۶). ادبیات داستانی، تهران، نشر شفا
- هاگل، جرالداچ، (۱۳۸۴). «گوتیک در فرهنگ غربی»، فارابی، ترجمه بابک ترابی، ش، ۵۵، صص ۲-۵